

بحثی از چگونگی :

از: منوچهر مظفریان

مکتب تربیتی اسلام

اگر با نظری دقیق بزرگای دستورات قرآن مجید و احکام دین مقدس اسلام بنگریم باین نکته خواهیم رسید که مجموعه دستورات و قوانینی که بنام دین اسلام، از طرف پیشوایان و بزرگان اسلامی در اختیار جامعه بشری گذاشته شده و بدینوسیله او را بسوی فلاح و دستگیری دعوت نموده است اگرچه بنام دین و در لباس مذهب در برابر دیدگان ما جلوه میکند ولی توسعه نظریات بلند و درخشان آن تا بدانجا نیست که بتوانیم آنرا یک سیستم اجتماعی نام بگذاریم زیرا این دستورات مانند تمام سیستمهای اجتماعی، در تمام شئون زندگی وارد شده و با اتکاء بجهان بینی فلسفی خویش نظر داده است.

اسلام با خصوصیات انحصاری و توجه مخصوصی که بمعنویات و عبادیات مبذول داشته خوب توانسته است مشکلات روانی و فکری بشر را حل نموده راه راست و واقعی زندگی را با نشان دهد.

در اینجا مجال اثبات ادعای فوق در جمیع شئون و موارد نیست، فقط میخواهم مسئله تعلیم و تربیت را از نظر اسلام مورد بحث قرار داده هدف و نظریات پرورشی آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

قبلاً لازم است با اهمیت تربیت در اسلام توجه نموده مر بیان معروف اسلامی را بشناسیم.

از مطالعه قرآن مجید و سایر کتب اسلامی، اهمیت تربیت هویدا میشود زیرا کتاب آسمانی مسلمین، تربیت را وسیله فوز و نجات و باعث نجات از آتش دوزخ خوانده

و گردگانرا اندرز میدهد که خود و فرزندان خود را بوسیله آن از آتش دوزخ برهانند (یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً).

مردم را بوظیفه سنگینی که در برابر فرزندان خود از نظر تربیت آنان دارند متوجه ساخته و میگوید: «یوصیکم الله فی اولادکم».

اهمیت ادب که بمعنی حق خود شناختن است و آنرا مصفی روح و مزکی نفس دانسته اند از این اشعار که منسوب به حضرت امیر علیه السلام است بخوبی هویدا است.

حضرت بنیک علی الاداب فی الصغر	کیما تقربه عیناک فی الکبر
فانما مثل الاداب تجمعهما	فی عنفوان الصبا کالنقش فی الحجر
لیس الجمال بانواب تزیننا	ان الجمال جمال العلم و الادب
لیس الیتیم الذی قدمات والده	ان الیتیم یتیم العلم و الادب
کن ابن من شئت و اکتسب ادبا	یفینیک محموده عن النسب
و در جای دیگر میفرماید:	

شرف المرء بالعقل و الادب لا بالاصل و النسب

در حدیث دیگر تربیت موجود نیکبختی در جهان معرفتی شده و آمده است که «التربیه ترمی الی سعادة الفرد فی الدارین» دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دانشمندان بزرگ خارجی نیز بتقدم مسلمین در تعلیم و تربیت گواهی داده ارزش تربیتی احکام اسلامی را گوشزد کرده اند.

گرمان مورخ معروف مونیلسیه اقرار کرده است که دانشمندان اسلامی در روش تعلیم و تربیت و مدت تدریس و روشن کردن مباحث علمی بر آنها برتری داشته اند.

کونولد انگلیسی در کتاب بسوی خدا گوید: تعلیم و تربیت فی نفسه قبل از اسلام قدر و منزلتی نداشت بعلاوه کلیسیا باضعف و شدت و بوسیله تهدید و زور بهر گونه معرفتی که باافکار متداول کلیسایی مغایر بود مخالفت میورزید و در جای دیگر امیل درمنگهم فرانسوی در ارزش تربیتی قرآن مجید بیان میکند (بزرگترین قانون اصلاح و تربیت همان ترانه های آسمانیست که بصورت وحی و بوسیله

جبریل قسمت ب قسمت و جزء ب جزء برای محمد نازل شده و امروز بنام قرآن مجید در میان بشر می باشد .

هدف تربیت اسلامی ، سعادت و نجات و فوز و فلاح دودنیاست این مکتب در عین اینکه دنیا را مرحله ای برای آمادگی روح ، جهت حیات ثانوی و جاوید میداند معذالک بهر فردی اجازه میدهد که در آن بخوشی و سعادت زیست کند .

قرآن مجید این مطلب را تایید میکند آنجا که میفرماید « وابتغ فیما آتیک الله الدار الاخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا (القصص) و حضرت امیر علیه السلام در این باره میفرماید .

«عمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و عمل لاخرتک کانک تموت غدا» توحید و خدا پرستی که پایه و مبنای مقررات اسلامی است ارزش انسانی و اخلاقی فرد را تا بدانجا بالا میبرد که ما فوق هر قدرت متصور بوده و جایگاه او را بر فراز آسمان معنویت و انسانیت قرار میدهد .

این مکتب میخواهد همه افراد باسرافرازی و افتخار زیست کرده خصایل پر ارزش انسانی و مزایای اخلاقی را در برابر زخارف دنیوی و مظاهر بی ارزش زندگی از دست ندهند .

اعمال حضرت حسین بن علی علیه السلام نتیجه تربیت همین مکتب است که وقتی او را به بیعت با یزید و صحنه گذاردن بر کارهای ناروای او دعوت کردند فرمود :

انی لا اری الموت الا سعادة و لا الحیوة مع الظالمین الا برما و :

ان کانت الابدان للموت انشئت فقتل الثمنی بالسیف فی الله افضل و :

الموت فی العزخیر من حیوة فی الذل .

در وقتیکه آن بزرگوار را بقتل تهدید کردند فرمود :

القتل خیر من رکوب العار و العار اولی من دخول النار

این پرورش یافته مکتب اسلام، زندگی را با همه مظاهر زیبا و فریبنده آن وقتی واجد ارزش میدانند که صرف مبارزه و کوشش در راه عقیده و ایمان شود (ان الحياة عقیده و جهاد)

مکتب اسلام مسئولیت اجتماعی را که امر و زدنمای متمدن بآن متوجه است مورد نظر داشته و میخواهد افراد، خود را در وضع اجتماع خود مؤثر دانسته در بهبود آن بکوشند و این مکتب با مقرر داشتن امر بمعروف و نهی از منکر همه را مسئول کارهای همدیگر معرفی کرده و میفرماید «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة».

با رضا بظلم و خودسری و سکوت در برابر تجاوز مخالف است و پیروان خود را اندرز میدهد که قمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

از جمود فکر و تعصب بیزار است و میخواهد پیروان او با آزادی کامل فکری بکسب علوم و معارف بپردازند و موقعیت خود را در تمدن جهان احراز کنند چون بیخردان و کوته فکران از شنیدن اقوال مخالف گریزان نبوده در قبول افکار صحیح و درست دودل نباشند و بشارت میدهد که: «الذین یستمعون القول و یشتعون احسنه».

این دین در دوره انحطاط و فساد اجتماعی اعراب ظهور کرد و بابکار بردن اصول صحیح در تغییر طبایع سرکش انسان آن روز توانست بزرگترین قدرت متشکل اجتماعی را بوجود آورده در برابر قدرت حاکمه ایران و روم عرض وجود کند. تاثیر مسلمین در تمدن جهان معلول روش تربیتی اسلام است که تا آلوده بزنگار خرافات و بدآموزیها نشده بود موجب آثار درخشانی شده شخصیات برجسته و برارزشی بوجود آورد که درخشندگی افکارشان قرنهای تیرگی قرون و اعصار را زدوده بر مغزهای بشر پرتو افکنده بود.

تجلیات این نحوه تربیت و آثار درخشان آن در صفحات تاریخ درج است و ما در این جا چند نمونه از آنرا نقل میکنیم:

هنگامیکه در دستگاه عثمان دست بغما بمال و ناموس مسلمانان دراز گردید و پای

منحوس حبس و تبعید و ترور و وحشت، آشکارا به میان آمد و اصول امنیت و آسایش از مردم حقیقت دوست و پارسا سلب گردید، ابوذر غفاری تربیت یافته مکتب قرآن همچنان راستگو و در راستگویی بی پروا بود. در برابر هیئت حاکمه فاسدی که روش ساده و بی تکلف اسلام را رها کرده بیروی از اکاسره و قیاصره با احداث ساختمان های باشکوه میپرداختند بی محابا فریاد میزد **الذین یکنزون الذهب والفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم**.

میشم تمار حقیقت و راستی را پنهان نکرد و بروش مکتب خویش وفادار ماند و با بوضع فجیعی بقتل رسید.

جلوه جهان افروز قیام حسینی و بر تو درخشان آن که تمامتها میل خشم و انتقام را بسوی دستگاه بیزید جاری کرد و عاقبت آنرا از بیخ و بن برافکنند نمونه دیگر از نتایج درخشان پاک و دلآوری تربیت یافتگان این مکتب است.

نوابغ بزرگ دانش، ادب و فلسفه و حکمت اسلامی در بر تو نور افروز قرآن راه خود را یافتند و در ساختن تمدن بشری نقش عمده را بعهده گرفتند. بعضی از این دانشمندان که در فن ورشته تربیت بشری کار کرده با الهام گرفتن از مقررات و دستورات قرآن مجید و تفسیر بیات شخصی نظریاتی ابراز داشته اند که در نوع خود قابل توجه و اعتناست.

معروفترین مر بیان اسلامی که نظریات آنان در تاریخ تربیت اسلامی واجهت ارزش فراوان و معروفیت تامه است عبارتند از:

جمعیت اخوان الصفا - ابن سینا - غزالی - ابن خلدون

که توجه مختصری بر زندگی و نظریات آنان باعث تکمیل بحث است.

اخوان الصفا:

در سده چهارم هجری چند نفر از علمای آزاد اندیش و بیدار دل در بصره بنیاد انجمنی گذاردند تا بین دین و فلسفه را که در اثر جنگ و ستیز بیروان سنت با فیلسوفان شکافی ایجاد شده بود سازش دهند.

اینان برای توجیه معتقدات دینی مسلمین، آنها را با اقوال حکما تطبیق کرده و یاد در شرح برخی از مسائل مذهبی بروش فلاسفه متوسل میشده اند برای تزکیه باطن

و صعود بمدارج کمال علاوه بر توسل بفرسفه معتقد بتمسک بدین نیز بودند. و در اثر اعتقاد بمبانی دین اسلام و اصول عقاید افلاطونیان و فیثاغورثیان جدید و صوفیه بافلسفه مادی اختلاف نظر داشتند و اقوال آنان را رد میکردند. رسایل ایشان که به ۵۴ جلد میرسید و انتشار آنها از ۳۳۴ تا ۳۷۴ ادامه داشت شامل کلیه علوم منطقی، ریاضی، طبیعی، الهی و حکمت عملی بود و چون بدون ذکر نام مؤلف منتشر نمیکردند مورخین در ذکر اسامی افراد آن اختلاف کرده اند بعضی آنها را یکی از ائمه از نسل علی بن ابیطالب میدانند و برخی آنها را بائمه معتزله منتسب میدانند.

ابو حیان توحیدی آنان را: ابوسلیمان محمد بن بشر البستی معروف به المقدسی، ابوالحسن علی بن هارون الزنجانی، ابواحمد المهرجانی و ابوالحسن علی بن رامیناس العوفی و زید بن رقاعه دانسته است.

اینان برای تعلیم و تربیت بیرون خود، علاوه بر تدوین رسایل جلسات خاصی نیز داشتند که در مواقع معین تشکیل میشد و مباحث مخالفه علوم خاصه الهیات که غرض اقصای آنان بود مطرح میشد. در بین خود نیز مقررات خاصی از نظر معاشرت و انتخاب دوست و غیره اجرا میکردند. بهیچیک از مذاهب تعصب نمیورزیدند و باهیچیک از علوم دشمنی نمیکردند و معتقد بودند که «راینا و مذهبنا یستغرق المذاهب كلها و یجمع العلوم جمیعها» عده زیادی از دانشمندان اسلام از رسالات اخوان الصفا استفاده کرده و تحت تأثیر قرار گرفته اند.

ابوعلی سینا:

ابوعلی حسین بن عبدالله مشهور بابن سینا و مقلب بشرف الملک که اروپائیان او را Avicene و مقلب به برنس دو مدیسین (سلطان الاطبا) گفته اند در سال ۳۷۰ هجری یا ۹۸۰ میلادی متولد و در ۴۲۸ هجری یا ۱۰۳۷ میلادی وفات یافت.

در ریاضات، نجوم، طب، استعداد فراوان بخروج داد. بخدا ایمان داشت و در حل غوامض علمی از او کمک میخواست کتابهای شفا و قانون او شهرت جهانی دارد، در مداوای روح نیز تخصص داشت و در پزشکی بتجربه اهمیت میداد.

روح در فلسفه او مقام بلندی دارد و بالاترین قوای انسانی خرد است و سعادت آخرت متناسب با درجه معرفت و صفاتی است که نفس در زندگانی دنیائی کسب کرده است. بقیه دارد.